

بندر سیراف

سیراف (صورت قدیمتر: سیراب) در بعضی نوشته‌ها صیراف نیز نوشته شده‌است. شهری باستانی واقع در بخش مرکزی شهرستان کنگان در استان بوشهر یکی از آثار تاریخی و از نقاط دیدنی استان بوشهر در جنوب ایران است. سیراف یکی از قدیمیترین بنادر ایران است که زمانی دارای رونق فراوانی بوده‌است. شهر باستانی «سیراف» دارای معماری خاصی می‌باشد که بسیار شبیه به روستای ماسوله در شمال کشور می‌باشد. سیراف پررونق‌ترین بندرکشور بود که روابط تجاری زیادی با کانتون چین و... در دوره‌های ساسانی و اسلامی داشت.

بندر سیراف

در فاصله قرون دوم تا پنجم هجری قمری/هشتم تا دوازدهم میلادی، بندر باستانی و تاریخی سیراف (طاهری امروزی) یکی از بزرگترین و باشکوه‌ترین بنادر ایرانی و اسلامی در سرتاسر حوزه خلیج فارس به شمار می‌رفت.

دریانوردان و بازرگانان سیرافی نه تنها با کلیه بنادر آباد و پررونق خلیج فارس بلکه با هندوستان، چین و شرق آفریقا نیز در تجارت مستقیم و مستمر بودند. شهرسیراف در قرون اولیه اسلامی، شهری آباد، با عظمت و بسیار ثروتمند بود. مالکان خانه های زیبا، چوب مورد نیاز بناهای خود را از آفریقا و هندوستان وارد می‌کردند و در بندر سیراف خانه های چندطبقه می‌ساختند که قیمت آنها بیش از سی هزار درهم بود. شهر، دارای سیستم فاضلاب و لوله کشی سفالی بوده و بیمارستان بزرگی در آن احداث شده بود. علاوه بر این سیراف دارای چندین مسجد بزرگ و کوچک بوده که معروفترین آنها مساجد جامع و امام حسن بصری می‌باشد.

هنرمندان سیرافی یا مقیم سیراف در کارگاه های خاصی، مرواریدهایی را که از نواحی مختلف خلیج فارس می‌رسیده، پردازش هنری می‌کردند و سپس آن مرواریدها را به هند، چین و آفریقا صادر می‌نمودند. هنر گچ بری نیز در بندر باستانی سیراف رواج کامل داشته و مردمان متمول و ثروتمند سیراف، اغلب دیوارها و سقف های خانه های خود را با نقوش و طرح های چشمگیری گچ بری می‌کردند. مردمان خوش ذوق سیراف حتی در آیین دفن مردگان خود نیز مسایل هنری را رعایت می‌کردند. آنان سنگ قبرهای مکعب شکلی بر قبرهای مردگان خود می‌گذاشتند و آیات قرآن کریم و نام متوفی را با خط کوفی بسیار زیبا بر سنگ های مخصوص حک می‌کردند.

سیراف بندری بوده که در باریکه ای میان کوه و دریا قرار داشته و به همین دلیل از چشم انداز بسیار زیبا و استثنایی برخوردار بوده است. هیچ بندری در سرتاسر خلیج فارس، موقعیت طبیعی سیراف را نداشته است. شهر با عظمت و پرشکوه سیراف سرانجام در زلزله هولناکی که در نیمه دوم قرن چهارم هجری رخ داد به کلی ویران شد و بخش قابل توجهی از آن نیز به زیر آب فرو رفت. اکنون از آن همه شکوه، تنها ستون های نیمه فرو ریخته، دیوارهای شکسته، قبرهای متروک و مساجد ویران باقی مانده است. ویرانه هایی که هنوز زیبا و چشم انداز هستند و بیانگر رونق افسانه ای شهر در روزگاری دور می‌باشند.

بازمانده‌های سیراف تاریخی

بازمانده‌های این شهر باستانی در نزدیکی بندر سیراف کنونی دیده می‌شود. سیراف زمانی از بندرهای اصلی ایران و خاورمیانه و محل پهلوگیری کشتی‌های بزرگ بود. بازرگانان سیرافی به دوردست‌های آسیا و آفریقا سفر دریایی می‌کردند. آنچه از سیراف بازمانده، حفره‌های سنگی کنده شده بر شیب تپه‌های سنگی است که گویا بعد از اسلام به‌عنوان قبر نیز استفاده شده‌اند. همینطور سنگچین‌ها، چاه‌ها، سنگ‌فرش‌ها و غارهایی شبیه آتشفشان در دل کوه‌ها بجا مانده‌است. غلامرضا معصومی، محمد حسین سمسار، رضا طاهری و سید قاسم یاحسینی تاریخ نگارانی بوده‌اند که به صورتی مبسوط سیراف را در حوزه های

باستان‌شناسی و بناهای تاریخی، وضعیت اجتماعی، موقعیت جغرافیای تاریخی و مشاهیر آن شرح داده‌اند.

حوضچه‌های آب باران

آنچه که امروزه در ارتفاعات مشرف بر دامنه کوه‌های شمالی سیراف می‌بینیم، و اندیشمندان و محققان از آن به عنوان قبور سنگی یاد می‌کنند، در ابتدا به منظور ایجاد قبر و مدفن مردگان خلق نشده‌اند بلکه حوضچه‌های استحصال آب باران بوده‌اند که بر روی کوه‌های مشرف به دریا و شهر برای استفاده از آب باران و نیز تزریق به درون زمین و پیوستن به سطح سفره‌های آب زیرزمینی جهت تقویت آبخوانهای آن منطقه و به منظور برداشت در پائین دست از طریق چاه‌های حفره شده در طبقات سنگی بوده‌اند.

به منظور تأمین آب شرب از طریق باران، که تنهاترین، مهم‌ترین و مؤثرترین روش در استحصال آب باران به شمار می‌آید جمع‌آوری مستقیم آب بر روی سطوح نازله می‌باشد. به منظور بهره‌وری از آب‌های نازله و جلوگیری از هدر رفتن آنها و نیز تغذیه سفره‌های آب زیرزمینی چاه‌های مذکور پیشینیان سیراف به این نتیجه می‌رسند که هر آنچه آب نازله را بر سطح کوه مذکور در بالادست چاه‌های حفر شده، استحصال و ذخیره نمایند و بدین طریق به آب‌های جمع‌آوری شده فرصت بیشتری جهت نفوذ به درون زمین دهند. در حال حاضر از نواحی نزدیک به خط الرأس کوه با ایجاد مخازن با مقطع چهارگوش به ابعاد متفاوت حوضچه‌هایی را در سرتاسر یال جنوبی کوه تعبیه نموده‌اند که قادر به جمع‌آوری مجموعه آب‌های نازله بر سطح اراضی مذکور باشد. چاه‌های حفر شده درون طبقات سنگی نیز درست در پائین دست هر مجموعه مخازن ذخیره آب تعبیه شده به طوریکه با نفوذ آب و رسیدن به سطح ایستابی منطقه بلافاصله سطح آب چاه‌های مذکور را مورد تأثیر قرار می‌دهد.







aaa



ابعاد حوضچه‌ها عموماً به صورت مقطع مستطیلی (چهارگوش) بوده و طول این مخازن در جهت شیب واقع است. برخی از این حوضچه‌ها دارای سرریز بوده بطوریکه پس از پر شدن آن، آب مستقیماً درون حوضچه پائین دست هدایت می‌شده‌است. همچنین در بخش انتهائی برخی از این مجموعه حوضچه‌های دامنه‌ای، سرریز آخرین حوضچه به یک کانال دست ساز (که می‌توانسته مسیر طبیعی جریان آب باشد) ختم می‌شود که احتمالاً از این کانال آب به عنوان سرریز نهائی یا حقا به پائین دست و یا شاید آبیاری مزارع به مکانهای مورد نظر هدایت می‌شده‌است. لزوم استفاده بهینه از آبهای نازله جهت تقویت سفره‌های آب

زیرزمینی به حدی بوده است که حتی در دامنه پائین کوه نیز امکان حفر گودال وجود داشته و شاهد حضور حوضچه‌هایی با جهت عمود یا مایل نسبت به دیگر حوضچه‌ها هستیم. کوچکی ابعاد این گودالها به حدی است که به تنها چیزی که نمی‌توان آنان را نسبت داد، قبر می‌باشد.

دخمه‌ها و قبرها

قبرهای سنگی قبرستان سیراف به احتمال زیاد می‌توان گفت که گودالهای حفر شده بر پهنه کوهستان سیراف در ابتدا به منظور جمع آوری و استحصال آب ایجاد شده‌اند و آنچه که بعدها توسط افرادی (احتمالاً متنفذ و متمول و نیز شاید توسط عموم و بدلیل رخداد حوادث غیر مترقبه همچون زلزله و یا بیماری طاعون و نیاز به دفن سریع مردگان) مورد استفاده به عنوان گورهای فردی یا خانوادگی شده در روزگاری زیاد پس از احداث اولیه اینان صورت گرفته است. پیدا شدن استخوان و آثار مردگان درون برخی از این حوضچه‌ها نه تنها منکر سیستم استحصال و ذخیره آب نمی‌باشد بلکه با دقت بر گورهای یافته شده و وجود لایه‌ای از قشر نفوذ ناپذیر ساروج درون حوضچه‌های استفاده شده به عنوان قبر، به نکاتی موید روش تأمین آب در شهر باستانی سیراف پی برده می‌شود.

وصف دخمه

دخمه یا برج خاموشانمکانیست بی در و پیکر که زرتشتیان نسا یا مردار آدمیان را که بنا بر عقاید آنها نجس و پاریار است در آن می‌گذاشتند تا گوشت مردار توسط درندگان و پرندگان خورده شود آنگاه با قیمانده استخوان ها را درون چاه میانه دخمه انبار می‌کردند. بنا بر عقاید زرتشتیان دفن مردار موجب آلودگی عنصر مقدس خاک می‌گردید و لازم بذکر است که در دین زرتشتیان بیتابی از برای مرگ عزیزان شدیداً منع شده است.

معماری دخمه

دخمه‌ها خواه ساخته شده بدست انسان خواه برآمده از عوارض طبیعی بگونه ای آرایش می‌افتند تا دسترسی گوشتخواران به مردار را ساده میسر نمایند بدین منظور اکثر آنها فاقد سقف یا میان فضا و در خارج سکونتگاه شهری روستایی و معمولاً بر فراز بلندی‌ها ساخته می‌شده‌اند. با گذر زمان و تغییرات دین زرتشت عملکرد دخمه‌ها پیچیده تر شد و وظیفه متلاشی کردن گوشت و نسج مردارها از درندگان به پرندگان (با تدابیری مانند مرتفع کردن دخمه و یا محدود کردن دسترسی درندگان) مانند دخمه داریوش کبیر در نقش رستم شیراز و از پرندگان به نور عوامل طبیعی (مانند گنبد کاووس در استان گلستان) تغییر یافت.



سپردن مردار به دخمه

نسا یا مردار توسط فرد یا افرادی موسوم به آدمکش از خانه به محل دخمه انتقال میافتد و در آنجا تحویل مسئول دخمه که جاکفشی نامیده میشود، میگردد و در آنجا باقی میماند تا متلاشی میشود و سپس فردی که تمام عمر محکوم به خارج نشدن از دخمه بود و لوسی نامیده میشود یقاپای استخوان و لوس باقی مانده را درون چاه وسط دخمه میریخت. در ایران هنوز دخمه‌هایی یافت می‌شود اما زرتشتیان دیگر از آن استفاده نمی‌کنند. از معروف‌ترین دخمه‌های ایران دخمه بندر سیراف است که بعد از اسلام به قبرستان مسلمانان تبدیل شد و نیز مقبره کوروش که تنها دخمه ساخته شده به شکل خانه است.

دخمه‌ها و آرامگاه‌های تاریخی مربوط به پیش از نفوذ اسلام در ایران که نوعی معماری صخره‌ای محسوب می‌شوند را گوردخمه می‌نامند.

